



(می آیم روی زانوهایم)

تسلیم شوم، تسلیم تو

می خواهم نزدیکت بمانم

محتاج هستم، محتاج تو) (۲)

تسلیم من، تسلیم تو

سرابم کن، لبریز از عشق خود

تشنه ام من، تشنه تو

باد ستانی باز نزدت دعا کنم

سخن بگو با قلب من

(تسلیم من، تسلیم تو)

میخواهم بشناسم تو را از قبل بهتر) (۲)

(همچون نسیمی روحت کن جاری

اراده ات انجام شود در من

همچون طوفانی ایجاد کن شوقی

اراده ات انجام شود در من) (۲)

(تسلیم من، تسلیم تو)

میخواهم بشناسم تو را از قبل بهتر) (۲)

تسلیم من، تسلیم تو) (۴)

میخواهم بشناسم تو را از قبل بهتر) (۲)

تسلیم من، تسلیم تو

